

دکتر شاه نواز شاه  
استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی،  
دانشگاه کشمیر، سری نگر۔

## احوال و آثار بابا حیدر تیلہ مولیٰ

اسم اصلی ایشان میر حیدر بود و گجراتی الاصل بود۔ چنانچه خود در  
تصنیف خود "هدایة المخلصین" می نویسد:

"... فقیر الحقیر میر حیدر گجراتی الاصل و تیلہ مولی الحال میگوید که

والدہ ماجدہ فقیر سید صحیح النسب و ثابت الحسب است۔" ۱۔

حضرت بابا محمد علی رینہ دربارہ اسم ایشان و دربارہ مسکن ایشان در  
تصنیف خود "تذکرۃ العارفين" اینطور اشاره می کند:

"... حضرت شیخ سید حیدر تیلہ مولی رحمة الله عليه و علی عظمتہ

شانہ کہ وطن اصلی ایشان در ہندوستان بہ گجرات کلانست۔" ۲۔

خواجہ اسحاق قاری دربارہ اسم ایشان و مسکن ایشان در تصنیف  
خود "چلچلہ العارفين" اینطور نوشته است کہ:

"... حضرت میر سید حیدر تیلہ مولی سلمہ الله تعالی کہ وی در اصل از

وطن مبارکہ خویش خطہ گجراتش بود۔" ۳۔

شیخ سید حیدر تیلہ مولی اصلاً بہ خانوادہ علوی تعلق می داشت و در

صغر سن از سایہ عاطفت والدینش محروم گشت بعداً عمویش محافظت

ایشان نمود۔ چنانچه در تصنیف خود "هدایة المخلصین" نوشته است۔

"... فقیر الحقیر میر حیدر گجراتی الاصل و تیلہ مولی الحال میگوید کہ

والدہ ماجدہ فقیر سید صحیح النسب و ثابت الحسب است و این فقیر در

خورد سالی والدین مرحومی از عالم فنا بعالم بقا رحلت نموده عموی

بزرگوارم تا حد بالغی محافظت داشته و حضرت مصحف و غیر از علوم

لابدیہ پیش معلم خوانانیدہ۔" ۴۔

خواجه اسحاق قاری در تصنیف خود "چلچله العارفين" در باره این  
اینطور اشاره می کند:

"...میر شیخ حیدر تیلہ مولی که در اصل گجراتیست، ایشانرا در عهد  
خورد سالی جد و مادر ازین عالم پای بسته و چشم پوشیده و حواله  
بخدمت عمویزر گوار خود، میر محمود علوی نمود۔ در آنوقت که در  
عهد خورد سالی قریب دو ساله بود، شیر مادری داشت، وی فوت شد۔"  
۵۔

حضرت میرسید حیدر تیلہ مولی از سادات صحیح النسب علوی بود ولی  
در کشمیر کسی را درباره جاه و حشم خانواده خود مطلع نساخت۔ ولی  
چون حضرت بابا محمد علی رینه بار دیگر مسافرت گجرات نمود در آنجا  
با عموی حضرت میر شیخ حیدر تیلہ مولی ملاقات کرد و ازین خبر مطلع  
گشت۔ چنانچه حضرت خواجه اسحاق قاری درباره این در تصنیف  
خود "چلچله العارفين" اینطور اشاره میکند:

"سید السادات مفتخر الشرقات میر شیخ حیدر تیلہ مولی که در اصل  
علویست و در اینجا بطریق ارادت آمده بود و کسی را اطلاعی نه که میر  
مسطور علویست و سید است۔ اما چون خدمت مخدوم شیخ محمد علی  
رینه، سفر دوم از گجرات، عموی ایشان دید، تحقیق نمود۔" ۶۔

حضرت بابا حیدر تیلہ مولی آغاز تحصیل از وطن اصلی خود (گجرات)  
کرد۔ تحصیل قرآن و تربیت در علوم معقول و منقول هم در آنجا یافت۔  
وقتی که پانزده ساله بود شوق مسافرت کشمیر دامنگیر شد ولی عموی  
اجازه نداد زیرا که عموی را هیچ فرزندی نبود باآخره بعد از يك ماه  
از عموی اجازه یافت و در سن پانزده سالگی در کشمیر درآمد و به  
فرزندی حضرت سلطان العارفين مخدوم شیخ حمزه سرافراز گشت و در  
ناحیه تیلہ موله فروکش شد۔ چنانچه در تصنیف خود "هدایة  
المخلصین" اینطور اشاره می کند:



”... و بعد پانزده سالگی شبی در واقعه دیدم که پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم مع چار یار باصفا رضی الله عنهم اجمعین در مسجد در آمدند و مارا کسی برای طلب فرستادند و پیش خود حاضر ساختند و فرمودند که ای فرزند اوّل طهارت بکن برخصت آن سرور علیه السلام طهارت کردم و حضرت سرور جامه کشید و بدست عزیزی داد که ای جامه این پسر را بپوشان و با خود در خدمت بگیر که او از اولادان ما است حواله شما نمودیم تربیت ظاهر و باطن برین نامراد بکن و آن عزیز آن خلعت در بر من کرد و مارا بکنار گرفت دستهای من ببوسید و فرمود که ای فرزند من در کشمیر می باشم نام من مخدوم شیخ حمزه است آنجا بیا که در خدمت من شب و روز حاضر باشی که من ترا بفرزندی قبول کردم در این اثنا از خواب بیدار شدم و صبحی از عموی خود رخصت خواستم او از محبت آنکه او را فرزندى نبود، مارا اجازت نداد و من در گریه وزاری به پنهانی در دشتها رفته آغاز می کردم تا يك هفته گذشت که خواندن و نوشتن از من برفت ----- بعد از يك ماه از عموی خود رخصت گرفته روانه کشمیر شدم و در موضع تيله موله سکونت اختیار نمودم و مردم حالا مارا کشمیری میدانند.“ ۷

حضرت میر شیخ حیدر تيله مولیّ مرد صاحب کشف و کرامات بود و يك عالم و هم يك انشأ پرداز زبان فارسی بود علاوه ازین به زبان عربی خوب واقف بود الغرض رتبه حضرت شیخ حیدر تيله مولیّ اولی از همه مریدان سلطان العارفین مخدوم شیخ حمزه خیلی عالی بود - چنانچه صاحب ”تذکره العارفین“ حضرت بابا محمّد علی رینه اینطور نوشته است:

”... و ولی مادر زاد و صاحب کرامات و مقامات و علو درجات و سمو مراتبات و خلیفه بزرگ و اول و مرید صادق کامل جناب قدسی القاب معلی خطاب غوث الاعظم محبوب العالم حضرت مخدوم شیخ حمزه قدس سره ما است و در او آن عنفوان و آغاز شعور خدمت مرشد الثقلین

گزیده و از وطن خود چون مار گزیده جویان و بویان تریاق خدمت حضرت مخدوم سید و درین دیار بخدمت مرشد زمین و آسمان لاحق گشته و در طبق فناء فی الشیخ از خود سیر شده نعمت بقاء فی الشیخ حاصل کرده و خوان نعمت بقاء بالله در خود یافته و کسانرا و طالبانرا دعوت فرموده و بمقام نعمت صاحب ساخته و اعظم اولیاء حوشه چین خرمن لانهای ایشان شده میر مسطور را توصیف و تعریف بچه نمایم که مقامات را طی کرده و حالات غرایب و شیونات عجایب داشت سبحان الله چه شان عالی مکان داشت حق تبارک و تقدس ذات مجمع الحسنات ایشان را مظهر تجلیات جلالی و جمالی نموده است والله اعلم۔“ ۸۔

حضرت میر شیخ حیدر تیله مولی را با سلطان العارفين حضرت مخدوم شیخ حمزه قدس سره تعلق همدردانه و مشفقانه بود همه دو باهم مانند يك عاشق و معشوق می مانند۔ چنانچه حضرت بابا محمد علی رینه در تصنیف خود ”تذکره العارفين“ نوشته است که:

”... که قطب العارفين و غوث الواصلين مخدوم العالمين مخدومی حضرت مخدوم میر شیخ حیدر رحمة الله علیه را با حضرت مخدوم غوث الاعظم رمزی داشتند و عاشق و معشوق همدیگر بودند و در میان هم یگانه بودند یگانه از روی جسمانت ظاهر و یگانه بعالم روحانیت و جنسیت چنانچه روزی مخدوم غوث الاعظم احقر را فرموده بر خیز و میر حیدر را پیغام رسان و نزد من بطلب و بحضور من بیار چون عزم ملازمت و طلب و طلب میر در خاطر خبر کردم و کمر بستم و روانه شدم و چون در تیله موله در آمدم درون مسجد هر دو عزیز یعنی حضرت مخدوم و میر باهم نشسته دیدم اما از دور همچنان دیدم چون قریب تر آمدم میر را دیدم و حضرت مخدوم نه در دل خود متعجب بودم ناگاه میر بسوی من نگاهی فرمود و گفت که بگو چه امر آوردی و مخدوم چه فرمود در حاله تحیر از زبان من بر جست که حضرت مخدوم را همین لحظه درین



مکان دیده بودم میر تبسمی کرد و روانه شد در اثناء راه چند جا مراقبه فرمود و از وجود ظاهر محو و معدوم میشد و باز پیدا میگشت و چون بخدمت حضرت مخدوم رسیدیم بخاطر احقر گذشت بیشتر روم و معروض میدارم که میر حاضر آمدند چون درون خانقاه در آمدم دیدم که میر با حضرت مخدوم یکجانشسته - ۹

تاریخ وفات حضرت میر حیدر تیله مولی معلوم نیست البته کاتب "هدایة المخلصین" (زیر شماره ۴۹۷ در شعبه مخطوطات دانشگاه کشمیر) در آخر نسخه بعد از اسم خودش تاریخ وفات حضرت میر شیخ حیدر تیله مولی نوشته است - عبارت اینطور است:

تاریخ فوت حضرت میر سید حیدر تیله مولی قدس سره، در شب دوم شهر محرم الحرام ۹۹۹ روز یکشنبه وقت بر آمدن آفتاب - ۱۰

ولی غلام حسن کویهامی در تصنیف خود "تذکره اولیائے کشمیر" در باره وفات ایشان اینطور نوشته است:

"آٹھ محرم ۹۹۹ کو اس دنیا کو الوداع کہا - موضع تیله موله میں انکی قبر ہے - ان کا عرس آٹھ بهادون کشمیری حساب سے دس ساون شدی کو مقرر ہے - ۱۱

بعد از وفات میر سید حیدر تیله مولی ایشان را در موضع تیله موله (لار) سپرد خاک کردند - ۱۲

آثار حضرت میر شیخ سید حیدر تیله مولی چنانچه بالا متذکر شدیم که حضرت میر شیخ حیدر تیله مولی یک عالم برجسته بود و در زبان عربی و فارسی یدِ طولیٰ میداشت - "هدایة المخلصین" در نثر به زبان فارسی تصنیف شیخ حیدر تیله مولی است - این کتاب در نثر و نظم بر موضوعات مانند تصوف و عرفان مشتمل است - متن این کتاب آراسته به آیات قرآنی و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم است - شیخ مذکور یک شاعر خوب بود به همین سبب متن این کتاب آراسته به

غزلیات و مناقب ایشان است - حضرت میر بابا حیدر تیله مولیٰ مذکورہ  
بالا کتاب را در پنج ابواب منقسم کرده است:

باب اول: در اعمال مبتدی

باب دوم: در اشغال مبتدی

باب سوم: در اذکار مبتدی

باب چهارم: در محبت و شوق و صلاح و تقویٰ و نکته‌های نصایح از کلام  
تصوّف و غیره که بعضی از فرموده پیر دستگیر است -

باب پنجم: در بعضی احوالات قطب الاقطاب و غوث الآفاق سلطان  
المشایخ محبوب رحمانی و مطلوب صمدانی و معشوق ربّانی و مقصود  
یزدانی حضرت مخدوم شیخ حمزه کشمیری مزالله تعالیٰ ظلّه علیٰ  
جميع المخلصین والمریدین الیٰ یوم القیمة - ۱۳ -

حضرت میر سید حیدر تیله مولیٰ به زبان فارسی شعر هم سروده است -  
نمونه اشعار ایشان در "هدایة المخلصین" که تصنیف ایشان است ، می  
توان دید - موضوع اشعار وی تصوّف و عرفان است و در زبان ساده و  
آسان سروده شده اند - بطور نمونه غزل زیر را ملاحظه بفرمائید:

منکران از من نصیحت گوش کن  
بشنو از جان و ز دل بس هوش کن  
گرتو در انکار شیخی کافری  
جامه اقرارش هان بر دوش کن  
گر مسلمانی ز دل انکار گیر ورنه ز نار کفر آغوش کن  
ای عزیزا نعمت ایمان راز  
اعتقاد پیر من سرپوش کن  
ای برادر وعظ من گر تلخ هست  
نافع دین است چو شربت نوش کن  
پیر من محبوب حق و هرنبی و هر ولی است  
چون بر آنها منکرائی وعظ من در گوش کن



ذکر مرشد در دل و جان حیدرا  
ز آتش شوقش بهر دم جوش کن ۱۴-  
غزل دیگر به عنوان 'در بیان کاوش نفس در طلب حق' جای دیگر  
مندرج است:

تا نه پشتت خم شود از بار در دیار خود  
کی توانی بُردای دل راه بر دربار خود  
تا نخواهی کرد جانرا چاک چون گل بهراو  
یک نسیمی می نیابی هرگز از گلزار خود  
تا نگردی همچو صبح از هر دری بی اختیار  
کی توانی راه بردن بر در دلداری خود  
تا نباشی خود براه عشق بازی بانوا  
چون توانی رفتن آخر بر سر بازار خود  
بشکن ای دل از سر خود مغز هر کبرومنی  
تا بیابی زود در سرای دلا اسرار خود  
حیف آنکس را که آمد کاذب اندر عاشقی  
هر که عاشق شد نجوید راحت از آزار خود  
عاشق حق باش و احمد طالب مخدوم هم  
گو بهر دم ذکر ایشان حیدرآ از اقرار خود ۱۵-  
چنانچه در مدح پیر طریقت خود اشعار زیر سروده است:

پیر ما شاهد و مشهود بود  
پیر ما هم عابد و معبود بود  
پیر ما محبوب حق انبیا است  
پیر ما بر اولیاء مقصود بود  
پیر ما زین هر دو عالم برتر است  
پیر ما در لامکان موجود بود

پیر ما شاه زمین و آسمان است  
پیر ما مطلوب هر مقصود بود  
پیر ما خوش عارف و معروف است  
پیر ما خوش واصل مسعود بود  
پیر ما حق بود پنهان در عیان  
پیر ما بر حامدان محمود بود  
پیر ما در عرش با حق هر زمان  
پیر ما از هر ولی مسعود بود  
پیر ما دریا گرفت از قطره  
پیر ما دریای لا محدود بود  
پیر ما فرزند احمد از ازل  
پیر ما با چار یار مودود بود  
پیر ما سر حلقه خوش واصلانست  
پیر ما بر عاشقان ممدود بود  
پیر ما سر دفتر خوش عارفان است  
زیر تختش فرق شان مسدود بود  
پیر ما خوش سرور شاهان دین است  
بر جمیع سالکان مسنود بود  
پیر ما غوث المعظم در خطاب  
از جناب حق برو مورد بود  
پیر ما چون حمزه سالار دین  
از ولایت برتری بر بود بود  
پیر ما سلطان عالم غوث دین  
بر ملائک رحمت و خوش جود بود  
پیر ما هم بود و خواهد بود هم



زین جهان وز آن جهان خوش بُود بود  
پیرمارا نه فلك يك پایه ایست چو  
ن سر برش عرش حق نابُود بود  
پیرما از بی خدائی چون خدا هر  
کجائی الحق آن موجود بود  
پیرما در آن سوای آن سوی  
يك سخن جز نام حق بشنود بود  
پیرما در تکیه زد آن متکا  
جز خدایش هیچ يك ننمود بود  
پیرما از ابتدای تا انتها  
در شریعت ثابت و مخلود بود  
پیرمای حیدرا زوی حق نماست  
حق نمائی در دل مولود بود  
پیرماتابان چوشمس والضحی است  
کور نیند کور و کر نابود بود  
پیرما اندر زمین کاشمیر  
همچو خور بر آسمان معهود بود  
پیرما بر هر ولی سالار بود  
ز آن چو حمزه نام او موجود بود  
پیرما مخدوم حمزه شہسوار  
در مکان لامکان موعود بود  
پیرمارا هر که او منکر شده  
همچو شیطان گویکیمردود بود ۱۶۰

جای دیگر یک غزل اینطور است:

معشوق عیان است ولی چشم کو محبوب  
بخانه است بلی روبرو  
اندر من و او حجاب جز خود نیست  
از خود گذرد دگر نگر که اوست درد؟  
آن چشم کزو دیدن آن ممکن هست  
بر اهل دلان است نه چون بر هر کس کو  
محبوب من از من چو میرا است زهر من  
از من تو جدا شو که شوی همچو خدا رو  
در پرده مائی و توئی نیست بحق راه  
تو پرده خود گیر که حق است بهر سو  
در ذکر چو مذکور بحیدر شده حق  
ذاکر و مذکور همونست زهر مو ۱۷-

این کتاب اینطور شروع می شود:

”الحمد لله الخالق الموجود واصلوأة والسلام علی رسوله للحمود وعلی  
آله واصحابه المسعود بعد از حمد بی شمار و پس از درود بسیار-----“  
۱۸-

آخرین عبارت این کتاب اینطور نوشته شده است:

”تمت هذا نسخة مسمی هداية المخلصین من تصنیف واصل رحمانی  
حضرت میر حیدر تیله مولی رحمة الله علیه ----- سال  
چهارم شهر رمضان المبارك ۱۳۱۰ هـ يك هزار و يك صد و سی و يك تمام  
شد-“ ۱۹-



چنانچه بالا متذکر شدیم که موضوع این کتاب تصوف و عرفان است - ولی مصنف حضرت میر شیخ حیدر تیله مولی در این کتاب برخی از نکته های سیاسی و واقعات سیاسی را مندرج ساخت - نیز نکته های مهمی درباره سیاست چکان را به طور اشاره های خفیفی ذکر کرده است -  
۲۰

بقول حضرت بابا محمد علی رینه "سلوک المراقبات" تصنیف دیگر از حضرت شیخ بابا حیدر تیله مولی است - چنانچه در تصنیف خود "تذکره العارفين" اینطور نوشته است که:

"که قطب الواصلین غوث العالمین محبوب العارفين مخدومنا مخدوم الاعظم بندگی میر شیخ حیدر تیله مولی قدس سره رساله تصنیف فرموده از آن جمله سلوک المراقبات که از خاص ترین تصانیف ایشان است و موجز و مختصر بسیار است - از آن رساله طالبان دین را فواید بیشمار حاصل است از مطالعه آن هزاران هزار ابواب مفاتیح غیب میگشاید -"  
۲۱

## کتابشناسی و پانوشت ها:

۱- میر شیخ حیدر تیلہ مولیٰ، ہدایۃ المخلصین، فولیو-۱، شمارہ  
نسخہ-۴۹۷، مخطوطہ مملوکہ کتب خانہ تحقیق و اشاعت دانشگاہ  
کشمیر۔

۲- حضرت بابا محمد علی رینہ، تذکرۃ العارفين، فولیو-۳۵۷، شمارہ  
نسخہ-۵۹۲، مخطوطہ مملوکہ کتب خانہ تحقیق و اشاعت دانشگاہ  
کشمیر

۳- خواجہ اسحاق قاری، چلچلہ العارفين، فولیو-۲۳، شمارہ  
نسخہ-۱۸۰۰، مخطوطہ مملوکہ کتب خانہ تحقیق و اشاعت دانشگاہ  
کشمیر

۴- میر شیخ حیدر تیلہ مولیٰ، ہدایۃ المخلصین، فولیو-۱، شمارہ  
نسخہ-۴۹۷، مخطوطہ مملوکہ کتب خانہ تحقیق و اشاعت دانشگاہ  
کشمیر

۵- خواجہ اسحاق قاری، چلچلہ العارفين، فولیو-۷۲، شمارہ  
نسخہ-۱۸۰۰، مخطوطہ مملوکہ کتب خانہ تحقیق و اشاعت دانشگاہ  
کشمیر-۸۸-ایضاً، فولیو-۱۱۴

۶- میر شیخ حیدر تیلہ مولیٰ، ہدایۃ المخلصین، فولیو-۱۲، شمارہ  
نسخہ-۴۹۷، مخطوطہ مملوکہ کتب خانہ تحقیق و اشاعت دانشگاہ  
کشمیر

۷- حضرت بابا محمد علی رینہ، تذکرۃ العارفين، فولیو-۳۵۸-۳۵۷، شمارہ  
نسخہ-۵۹۲، مخطوطہ مملوکہ کتب خانہ تحقیق و اشاعت دانشگاہ  
کشمیر

۸- ایضاً، فولیو-۳۶۲



۹- میر شیخ حیدر تیلہ مولیٰ، ہدایۃ المخلصین، فولیو-۲۳۳، شماره  
نسخہ-۴۹۷، مخطوطہ مملوکہ کتب خانہ تحقیق و اشاعت دانشگاه

کشمیر

۱۰- پیر غلام حسن کویہامی، تاریخ حسن جلد سوم (تذکرہ اولیائے کشمیر  
مترجم پروفیسر شریف حسین قاسمی) صفحہ-۱۰۵

۱۱- خواجہ محمد اعظم دیدہ مری، واقعات کشمیر (اردو ترجمہ)  
صفحہ-۱۲۲

۱۲- میر شیخ حیدر تیلہ مولیٰ، ہدایۃ المخلصین، فولیو-۲، شماره  
نسخہ-۴۹۷، مخطوطہ مملوکہ کتب خانہ تحقیق و اشاعت دانشگاه

کشمیر

۱۳- ایضاً، فولیو-۱۰

۱۴- ایضاً، فولیو-۱۰

۱۵- ایضاً، فولیو-۱۳

۱۶- ایضاً، فولیو-۲۷-۲۸

۱۷- ایضاً، فولیو-۴۳

۱۸- ایضاً، فولیو-۱

۱۹- ایضاً، فولیو-۲۳۳

۲۰- ایضاً، فولیو-۵۹-۶۰

۲۱- حضرت بابا محمد علی رینہ، تذکرۃ العارفین، فولیو، ۳۶۰، شماره  
نسخہ-۵۹۲، مخطوطہ مملوکہ کتب خانہ تحقیق و اشاعت دانشگاه

کشمیر-

